****

[چه مقدار از وقوف به عرفات رکن است؟ 1](#_Toc488763223)

[کلام محقق خوئی ره 1](#_Toc488763224)

[نقد کلام محقق خوئی ره 2](#_Toc488763225)

[وقوف اضطراری لیلی در عرفات 4](#_Toc488763226)

[بررسی دو مطلب 5](#_Toc488763227)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## چه مقدار از وقوف به عرفات رکن است؟

بلا خلاف، رکن در وقوف به عرفات، مسمای وقوف است.

### کلام محقق خوئی ره

محقق خوئی برای اثبات این که رکن، همان مسمای وقوف است، فرموده صحیحه مسمع و ضریس کناسی دلالت دارد بر این که اگر مکلف عمدا هم قبل از غروب آفتاب افاضه کند، حجش صحیح است و از این معلوم می شود که وقوف تا غروب، رکن نیست، از جهت مبدا هم دو روایت ذکر کرده است، یکی صحیحه جمیل و دیگری صحیحه یعقوب بن شعیب:

صحیحه جمیل: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُتَمَتِّعُ لَهُ الْمُتْعَةُ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ- وَ لَهُ الْحَجُّ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ النَّحْر[[1]](#footnote-1)

از مکه تا عرفات حداقل در زمان قدیم سه تا چهار ساعت طول می کشیده است و کسی که تا ظهر عرفه، عمره تمتع را انجام می دهد، نمی توانسته از اول اذان ظهر، درک عرفات کند، لذا معلوم می شود که رکن، مسمای وقوف است و اگر عمدا هم وقوف از اذان ظهر را ترک کند، حج باطل نمی شود.

صحیحه یعقوب بن شعیب: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ‌ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا بَأْسَ لِلْمُتَمَتِّعِ إِنْ لَمْ يُحْرِمْ مِنْ لَيْلَةِ التَّرْوِيَةِ- مَتَى مَا تَيَسَّرَ لَهُ مَا لَمْ يَخَفْ فَوْتَ الْمَوْقِفَيْنِ[[2]](#footnote-2)

ما لم یخف فوت الموقفین، یعنی تا خوف فوت وقوف به عرفات نباشد، تاخیر جایز است.

#### نقد کلام محقق خوئی ره

اولا: دو احتمال در صحیحه جمیل وجود دارد، یک احتمال این است که فقط ناظر به وقت عمره تمتع باشد که تا ظهر روز عرفه امتداد دارد، بدون این که به سایر احکام ناظر باشد، بنا بر این احتمال که بعید هم نیست، افرادی می توانند از این وقت تا ظهر عرفه برای انجام عمره استفاده کنند که معذور باشند، و شاهد این احتمال، ذیل صحیحه جمیل است که در مورد حج ذکر شده است (وَ لَهُ الْحَجُّ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ) یقینا این ذیل تجویز تاخیر احرام حج تا ظهر عید قربان نمی کند، بلکه می گوید وقت حج ولو برای فروض اضطراری تا ظهر دهم امتداد دارد، و صدر آن نیز به این معناست که در فروض اضطراری، وقت عمره تمتع تا ظهر عرفه امتداد دارد.

طبق این احتمال، این روایت نه دلیل بر جواز تاخیر احرام حج به نحوی است که فوت وقوف از ابتدای اذان شود و نه دلیل بر این است که مسمای وقوف برای همه رکن است، بلکه شاید رکن برای متعمد و غیر معذور، وقوف از ابتدای اذان ظهر تا غروب عرفه باشد.

احتمال دوم این است که روایت تجویز تاخیر عمره تمتع تا اذان ظهر روز عرفه کند، و به دیگر احکام نیز ناظر باشد که در این صورت دلیل می شود بر این که واجب هم همان مسمای وقوف به عرفات است.

لذا عرض ما این است که این که محقق خوئی می خواهد از صحیحه جمیل استفاده کند که ولو وقوف واجب از اذان ظهر باشد، اما رکن همان مسمای وقوف است، معنایش جمع بین احتمال اول و دوم است که ناتمام می باشد، زیرا این دو احتمال در مقابل هم می باشد.

ثانیا: دو احتمال در معتبره یعقوب بن شعیب می رود، احتمال اول این است که مقصود از فوت موقفین، فوت وقوف واجب باشد و اگر وقوف واجب را از اذان ظهر بدانیم، معنای روایت این می شود که ما دامی که خوف فوت نرسیدن به عرفات از اذان ظهر نداشته باشد، فرصت باقی است.

احتمال دوم نیز این است که مقصود روایت، خوف فوت اصل وقوف قبل از غروب باشد، در این صورت استفاده جواز تاخیر وقوف تا قبل از غروب، حتی اختیارا نیز می شود، یعنی در این صورت استفاده می شود که نه این که فقط بیشتر از این مقدار رکن نیست، بلکه واجب هم نیست، زیرا فرموده له ان یوخر، یعنی اختیارا هم می تواند تاخیر بیندازد.

گاهی واجب، واجب ارتباطی و اگر از اول وقت در عرفات نباشد، فوت واجب می شود، اما گاهی واجب انحلالی است که در این صورت حتی اگر فی علم الله وقوف به عرفات از اذان ظهر واجب باشد، زمانی می توان گفت خوف فوت وقوف به عرفات وجود دارد که خوف داشته باشد از نرسیدن به عرفات قبل از غروب آفتاب، ظاهر روایت نیز همین احتمال دوم است، لذا این روایت دلیل بر این است که رکن و واجب، هر دو مسمای وقوف است، و این که محقق خوئی فرموده فقط از این روایت استفاده می شود که رکن، مسمای وقوف است و نه مقدار واجب، خلاف ظاهر روایت است.

### وقوف اضطراری لیلی در عرفات

به نظر ما، وقوف اضطراری لیلی در عرفات، شامل غیر متعمدین در ترک وقوف اختیاری به عرفات است، به دلیل صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ: فِي رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ بِجَمْعٍ- فَقَالَ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ يَأْتِي عَرَفَاتٍ فَيَقِفُ بِهَا قَلِيلًا- ثُمَّ يُدْرِكُ جَمْعاً قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلْيَأْتِهَا- وَ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ لَا يَأْتِيهَا حَتَّى يُفِيضُوا فَلَا يَأْتِهَا- وَ لْيُقِمْ بِجَمْعٍ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ[[3]](#footnote-3).

در ادرک لازم نیست که تلاش کرده باشد که به عرفات برسد و نرسیده باشد، بلکه همین که به امیر الحاج در مشعر رسیده باشد، کافی است

و همچنین اطلاق صدر صحیحه حلبی که ادرک هم ندارد: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي بَعْدَ مَا- يُفِيضُ النَّاسُ مِنْ عَرَفَاتٍ- فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي مَهْلٍ- حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ مِنْ لَيْلَتِهِ فَيَقِفَ بِهَا- ثُمَّ يُفِيضَ فَيُدْرِكَ النَّاسَ فِي الْمَشْعَرِ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا- فَلَا يَتِمُّ حَجُّهُ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ- وَ إِنْ قَدِمَ رَجُلٌ وَ قَدْ فَاتَتْهُ عَرَفَاتٌ- فَلْيَقِفْ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ- فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْذَرُ لِعَبْدِهِ- فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ إِذَا أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ أَنْ يُفِيضَ النَّاسُ- فَإِنْ لَمْ يُدْرِكِ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- فَقَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً مُفْرَدَةً- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ[[4]](#footnote-4).

فان الله تعالی اعذر لعبده نیز مربوط به صدر روایت نیست و اگر هم مربوط به صدر باشد، ظهور ندارد در این که این شخص معذور است، بلکه می گوید خدای متعال عذر پذیر است و اگر هم مجمل باشد، صحیحه معاویة بن عمار که مشکلی ندارد.

### بررسی دو مطلب

مطلب اول: وقوف اضطراری لیلی وقت محدودی ندارد و مقدار کمی هم که در عرفات باشد، کفایت می کند و بنا بر نظر مثل محقق خوئی تا قبل از طلوع آفتاب امتداد دارد.

البته کسانی مثل ما که طلوع فجر را مبدا نهار می دانند، منتها را قبل از طلوع فجر می دانند و کسانی مثل امام که بین طلوع فجر و طلوع شمس احتیاط می کنند، در این جا هم طبعا حکم به احتیاط می کنند و می فرمایند باید به عرفات برود، چون شاید هنوز شب باشد.

دلیل ما بر این که مبدا نهار، طلوع فجر می باشد، این است که صحیحه زرارة می گوید: ... وَ قَالَ تَعَالَى حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى- وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ هِيَ وَسَطُ النَّهَارِ- وَ وَسَطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةِ الْعَصْر[[5]](#footnote-5)ِ ...

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص295، أبواب استحباب کون إحرام المتمتع...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/295/%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AD%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص293، أبواب استحباب کون إحرام المتمتع...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/293/%D8%AA%DB%8C%D8%B3%D8%B1) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص36، أبواب أن من فاته الوقوف بعرفات...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/36/%D9%81%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص548، أبواب وجوب الوقوف بعرفات...، باب19، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/548/%D8%A7%D8%B9%D8%B0%D8%B1) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص11، أبواب وجوب الصلوات الخمس...، باب2، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/11/%D9%88%D8%B3%D8%B7) [↑](#footnote-ref-5)